

شماره ۱۰۲/۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۲/۳/۱۲

جناب آقای مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

بازگشت به نامه شماره ۲۵۹۲-۸۱ مورخ ۱۳۸۱/۲/۱۲ باستحضار می‌رساند:

۱- نظر باینکه اصل ۱۵ قانون اساسی، تکلیفی اجرایی برای دستگاه‌های دولتی منظور ننموده است این وزارتخانه از اصل فوق‌الذکر چنین استنباط می‌نماید که دستگاه‌های اجرایی دولت مانع تحقق از خواست احاد ملت در اجرای اصل مذکور نشوند.

۲- با توجه به بررسی اسناد و مدارک موجود، این وزارتخانه تاکنون مانع و رادعی در اجرای خواسته مبتنی بر مفاد اصل فوق‌الذکر از سوی عموم مردم ایران ایجاد ننموده است.

۳- جهت تسهیل در نیل به اهداف مذکور در اصل یاد شده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکنون مجوز انتشار نشریاتی به شرح پیوست را صادر نموده است.

در پایان لازم به ذکر می‌داند این وزارتخانه آماده هرگونه همکاری افزونتری با آن هیأت محترم در تسهیل بیشتر و نیل به هدف و مقصود مذکور در اصل فوق‌الذکر است.

سیدعلی موسوی بجنوردی

مدیرکل دفتر حقوقی

اصل ۱۳۹ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۱۰۰۴

تاریخ ۱۳۷۸/۶/۳۰

جناب آقای دکتر افتخار جهرمی

مشاور محترم رییس جمهور و سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین المللی

با سلام

احتراماً، نظر به این که هماهنگی و انجام خدمات حقوقی در خصوص دعاوی مطروحه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی با طرف خارجی بعهده آن دفتر بوده و طبیعتاً در جریان کم و کیف این دعاوی نیز می‌باشد، لذا خواهشمند است به استناد اصل ۱۱۳ قانون اساسی و مواد ۱۳ و ۱۴ قانون «تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران» دستور فرمایید نحوه اجرا و مراعات مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی و همچنین موارد احتمالی نقض اصل مذکور از سوی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی را، جهت بررسی به این هیأت اعلام نمایند.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۲۰۰/۱۶۶۹

تاریخ ۱۳۷۸/۸/۲۹

جناب آقای دکتر مهرپور

ریاست محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

موضوع: اصل ۱۳۹ قانون اساسی

با سلام

عطف به نامه شماره ۷۸۱۰۰۴/م مورخ ۱۳۷۸/۶/۳۰ مراتب زیر را به اطلاع می‌رساند. نامه مذکور متضمن دو پرسش است. اول نحوه اجرای اصل ۱۳۹ قانون اساسی و دوم موارد احتمالی نقض آن توسط دستگاه‌های دولتی، که به همین ترتیب و در حدود اطلاعات موجود در این دفتر، پاسخ داده می‌شود.

اول. نحوه اجرای اصل ۱۳۹ قانون اساسی

۱- پس از تصویب قانون اساسی، مفاد اصل ۱۳۹ آن همواره مورد سؤال بوده و اجرای آن دشواریهایی را برای دستگاه‌های دولتی در پی داشته است. توضیح و تفسیر مفاد حکم مقرر در اصل ۱۳۹ و قلمرو آن بارها از شورای نگهبان استعلام شده، لکن شورای نگهبان اعلام کرده در این مورد به نظر تفسیری نرسیده است و در یکی دو مورد هم که بصورت مصدیقی از آن شورا استعلام شده، پاسخ شورای نگهبان اجمالاً حاکی از آن است که مادام که مغایرت مورد با قانون اساسی احراز نشده اجرای مفاد قراردادی مقدم بر قانون اساسی منجمله اجرای شرط دآوری آنها، بلامانع است.

۲- چنانکه استحضار دارند حکم مقرر در اصل ۱۳۹ (لزوم اخذ مجوز) شامل دو موضوع است: صلح دعاوی - ارجاع دعاوی به دآوری. اما سنوالاتی که پیرامون اصل مذکور مطرح شده بیشتر ناظر به «ارجاع به دآوری» بوده است. علاوه بر این، مفهوم دائر مدار حکم مذکور در اصل ۱۳۹ یعنی «اموال عمومی و دولتی» نیز به نوبه خود گام مورد

سؤال واقع شده است. به هر حال، اهم ابهام‌ها و سئوالاتی را که حول اصل ۱۳۹ قانون اساسی مطرح شده می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی و خلاصه کرد.

الف - آیا اثر اصل ۱۳۹ ناظر به ایند است یا شامل قراردادهایی که قبل از انقلاب و مقدم بر تصویب قانون اساسی منعقد شده و دارای شرط داورى است نیز می‌شود.

ب - آیا مقصود از «ارجاع به داورى» آن است که برای طرح دعوی و تسلیم دادخواست به مرجع داورى (به عنوان خواهان) باید مجوز اخذ شود، یا اگر یک دستگاه دولتی ایرانی خواننده دعوی قرار گیرد برای پاسخگویی و دفاع در مقابل دعوی نیز مکلف است مجوز بگیرد.

ج - آیا منظور از «ارجاع به داورى»، صرف درج شرط داورى در قرارداد است به عبارت دیگر آیا در مرحله انعقاد و امضای قرارداد باید حسب مورد، از هیأت وزیران یا مجلس مجوز اخذ گردد، یا صرف درج شرط داورى نیاز به مجوز ندارد بلکه در مرحله اجرای مفاد این شرط، یعنی در مرحله مراجعه عملی به داورى (اعم از تسلیم دادخواست به مرجع داورى، یا دفاع در برابر دعوای مطروحه در داورى که در بند «ب» اشاره شد) باید به هیأت وزیران یا مجلس مراجعه و مجوز گرفته شود.

د - مقصود از واژه «دعوی» در عبارت «صلح دعوای راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داورى» چیست؟ آیا منحصر است به معنای اصطلاحی و مضیق آن یعنی دعوی مطروحه در مرجع قضایی صالح یا داورى که در حین رسیدگی و تا قبل از صدور حکم صلح آن مطرح می‌گردد یا ارجاع آن از مرجع قضایی به داورى پیش می‌آید؛ یا ناظر به معنای عام و موسع واژه «دعوی» است، یعنی هرگونه ادعا، اختلاف، منازعه، مرافعه و دعوی اعم از این که در مرجع قضایی یا داورى مطرح شده یا نشده باشد.

ه - آیا مقصود از «اموال عمومی و دولتی» چیست و برای تعیین مصادیق آن مراجعه به ضوابط مقرر در قانون محاسبات کافی است، یا معنای اعم و موسع‌تری دارد. به عنوان مثال آیا اموال شرکت‌های دولتی و بانک‌ها نیز مشمول عنوان مذکور می‌باشد یا

خیر. (در این مورد خاص، شورای نگهبان طی نظریه تفسیری شماره ۵۶۰۶ مورخ ۱۳۷۲/۹/۱۷ اعلام کرده اموال شرکت‌های دولتی داخل در مفهوم اصل ۱۳۹ قانون اساسی است).

و- منظور از صلح دعوی چیست. آیا اگر در دعوی تسویه حساب گردد و حقوق مسلم طرف ایرانی وصول یا بدهی‌های مسلم او پرداخت شود و دعوی مختومه گردد یا قبل از طرح دعوی چنین شود، باز هم مصداق صلح دعوی است و مجوز لازم دارد، یا خیر.

۳- همان‌طور که اشاره شد، تابحال شورای نگهبان تفسیر عمومی و کلی درباره حکم مقرر در اصل ۱۳۹ و نحوه اجرا و دامنه شمول آن ارایه نکرده و اعلام نموده که شورا به نظر تفسیری نرسیدداند اما این امر مانع از دشواری‌های عملی نشده و دستگاه‌های دولتی که در دعاوی بین‌المللی درگیر بوده‌اند در جریان کار با مشکل اصل ۱۳۹ قانون اساسی مواجه بوده‌اند که به نمونه‌های آن اشاره می‌شود.

الف - با توجه به این‌که در بسیاری از دعاوی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی له و علیه دستگاه‌های دولتی مطرح شده، شرط داوری وجود داشته لذا دستگاه دولتی زیربند ناگزیر بوده برای حفظ و صیانت از حقوق و منافع دولت یا برای جلوگیری از اضرار و تضییع حق، علیه طرف مقابل (داخلی یا خارجی) در مرجع داوری طرح دعوی نماید یا به دعوی مطروحه در داوری علیه خود پاسخ دهد و دفاع نماید، و به هر حال نمی‌توانسته دعوی را بلا دفاع رها کند. در این قبیل موارد لامحاله مسأله اصل ۱۳۹ قانون اساسی مطرح شده و دستگاه‌های دولتی هم به مشاورین حقوقی یا دفاتر حقوقی متبوعه خود یا به دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی مراجعه و با کسب نظر از ایشان اقدام کرده است.

ب - در بسیاری از دعاوی مطروحه در دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده (لاسه) که اصحاب دعوی از طریق مذاکره و توافق دعاوی فیما بین را حل و فصل کرده‌اند و دعوی مربوط براساس همین توافق اصحاب دعوی تسویه و مختومه شده است، باز

مسأله شمول یا عدم شمول اصل ۱۳۹ از حیث این که آیا این شیوه حل و فصل و تسویه اختلافات مصداق صلح دعوی هست یا نه، مطرح شده که دفتر خدمات با بررسی جوانب و اطراف امر در خصوص مورد اظهار نظر نموده و بر همان اساس عمل شده است.

۴- به هر حال، هر چند تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است، اما در غیاب هرگونه اظهار نظر صریح یا تفسیر رسمی اصل ۱۳۹ توسط شورای نگهبان، آنچه از مجموع عملکرد دستگاه‌های دولتی در مورد نحوه اجرای این اصل در طول سال‌های گذشته بدست می‌آید و مؤید به تأیید و نظر حقوقدانان و مشاورین ذیربط نیز می‌باشد، به شرح زیر است که در واقع پاسخ به همان سؤالاتی است که در بند ۲ این نامه طرح شد.

الف - اصل ۱۳۹ قانون اساسی ناظر به آینده است. بنابراین در قراردادهایی که قبل از تصویب قانون اساسی منعقد شده اجرای شرط داور و مراجعه به مرجع به داور و مربوط، نیازی به اخذ مجوز از هیأت وزیران یا مجلس (حسب مورد) ندارد و می‌توان مطابق مفاد قرارداد اقدام کرد. معذک، مواردی وجود دارد که دستگاه دولتی ذیربط برای شروع داور و مبتنی بر قراردادی که قبل از انقلاب منعقد شده به هیأت وزیران یا مجلس مراجعه و درخواست مجوز کرده است.

ب - در مواردی که دستگاه دولتی در مرجع داور و خواننده دعوی قرار می‌گیرد، باید وفق مقررات در قبال آن دفاع کند و از حقوق و منافع دولت صیانت نماید و برای دفاع در قبال دعوی نیازی به اخذ مجوز موضوع اصل ۱۳۹ قانون اساسی نیست.

ج - در مورد قراردادهایی که پس از تصویب قانون اساسی منعقد شده یا می‌شوند، درج شرط داور و در مرحله انعقاد قرارداد موکول به رعایت مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی است و در صورتی که به دلایلی از قبیل فوریت امر و ضیق وقت عجالاً اخذ مجوز در این مرحله ممکن نباشد، در متن شرط داور و باید ذکر شود «با رعایت مقررات قانون» تا چنانچه در آینده مراجعه به داور و ضرورت یافت، مجوزهای لازم اخذ شود.

د - مقصود از واژه «دعوی» در اصل ۱۳۹ اعم از دعوی است که در محکمه یا مرجع داور و مطرح شده یا نشده باشد.

هـ- مفهومی اموال عمومی و دولتی همان است که در قانون محاسبات عمومی و سایر قوانین آمده است، و ارجاع دعوی راجع به این قبیل اموال به داور یا صلح آن موکول به رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی است.

و- مسلماً باید بین صلح دعوی و تسویه حساب فرق گذاشت. به این معنی که هرگاه نتیجه توافق طرفین برای ختم دعوی (اعم از این که در مرجع صالح طرح شده یا نشده باشد) آن باشد که دستگاه دولتی ایرانی از حقی از حقوق دولت بگذرد و آنرا به معنای اخص کلمه صلح نماید، ضمناً باید مجوز لازم را از هیأت وزیران یا مجلس اخذ نماید. لکن هرگاه نتیجه توافق و سازش طرفین آن باشد که تمام حقوق دستگاه دولتی زیربط وصول و ایصال گردد یا بدهی های او به طرف مقابل (اعم از داخلی یا خارجی) پرداخت و تسویه گردد، موضوع منصرف از عنوان صلح است و ربطی به اصل ۱۳۹ ندارد. به عنوان مثال اگر در دعوی که یک دستگاه دولتی علیه یک طرف خارجی مطرح نموده مبلغ یک میلیون دلار به عنوان طلب مسلم خود مطالبه کرده باشد و طرف خارجی در اثنای رسیدگی در دادگاه یا داور اعلام کند حاضر است این خواسته یک میلیون دلاری را بپردازد و بر همین اساس موافقتنامه ای تنظیم و پرونده مختومه شود، مشمول عنوان صلح دعوی نیست و نیازی به مجوز مجلس ندارد زیرا از حقی از حقوق دولت گذشت نشده است بلکه تسویه حساب است. اما اگر در همین مثال، در ازای دریافت ۹۰۰ هزار دلار، با ختم دعوی توافق شود و دستگاه دولتی (مدعی) از دریافت ۱۰۰ هزار دلار بقیه گذشت و انصراف نماید، صلح دعوی مصداق می یابد و محتاج مجوز می باشد. بهمین منوال است پرداخت بدهی دستگاه دولتی زیربط به یک طلبکار داخلی یا خارجی (مدعی) در حین دعوی که علیه دستگاه دولتی مذکور طرح کرده و موافقت یا ختم دعوی او، که چون بصورت تسویه حساب انجام می شود لذا موضوعاً خارج از عنوان صلح است و نیازی به مجوز مجلس نیست.

بدیهی است چنانکه وصول حقوق دولت یا پرداخت بدهی او بدون گذشت از حقوق مسلم دولت قبل از طرح دعوی نزد مرجع صالح (اعم از دادگاه یا داور) انجام شود نیز، مصداق تسویه حساب است و نه صلح دعوی و در نتیجه نیازی به مجوز موضوع اصل ۱۳۹ قانون اساسی نیست.

ز- در مورد دعاوی مطروحه در دیوان داوری ایران - ایالات متحده، نظر به این که موافقتنامه بین طرفین دعوی بصورت رأی داوری از دیوان صادر می شود بنابراین نیازی به اخذ مجوز جداگانه از مجلس نیست. زیرا مجلس طی ماده واحده مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۵ اجازه حل و فصل اختلافات و دعاوی با ایالات متحده از طریق داوری را داده است و همین اذن قانونی برای حل و فصل دعاوی مطروحه در دیوان از طریق سازش که در چارچوب دیوان انجام می شود نیز کفایت می کند. کمالین که تا بحال بهمین نحو عمل شده است.

۵- در مورد روش عملی اخذ مجوز موضوع اصل ۱۳۹ از هیأت وزیران، یادآوری می کند که هیأت وزیران طی تصویبنامه شماره ۲۹۳۰۲ ت ه مورخ ۱۳۷۷/۵/۷ مقرر نموده در مواردی که دستگاه های دولتی نیازی به مجوز موضوع اصل ۱۳۹ دارند، مراتب در کمیسیون اقتصادی هیأت دولت مطرح و با حضور وزیر ذیربط بررسی و تصمیم گیری شود. در مواردی که اخذ مجوز از مجلس لازم باشد روش کار خاصی بجز رویه متداول، پیش بینی نشده است.

دوم. موارد احتمالی نقض اصل ۱۳۹ قانون اساسی

۶- قبل از ورود به پاسخ خاطر نشان می کند که چون این دفتر در جریان دعاوی داخلی دستگاه های دولتی قرار نمی گیرد، در نتیجه نمی تواند اظهار نظر کند که آیا هنگام صلح احتمالی این قبیل دعاوی یا ارجاع آنها به داوری مفاد اصل ۱۳۹ به درستی رعایت می شود یا نه. لکن تا جایی که به دعاوی بین المللی دستگاه های دولتی مربوط می شود یادآوری می کند که همان طور که قبلاً اشاره شد اصل ۱۳۹ قانون حاوی دو مطلب است: صلح دعاوی - ارجاع آنها به داوری. در مواردی که دعوی متضمن اموال عمومی و دولتی باشد. در مورد نقض احتمالی اصل ۱۳۹ از حیث «صلح دعاوی» تا آنجا که اطلاع حاصل است در مواردی که دعاوی بین المللی در بیرون از مرجع رسیدگی (قضایی یا داوری) حل و فصل و مختومه شده، نمونه ای که احیاناً مشمول عنوان «صلح دعوی» بوده و محتاج مجوز اصل ۱۳۹ باشد تا بحال گزارش و مشاهده نشده است.

۷- در مورد نقض احتمالی اصل ۱۳۹ از حیث «ارجاع به داور» باید بین قراردادهایی که قبل از تصویب قانون اساسی منعقد گردیدند و آن‌ها که پس از قانون اساسی منعقد شده یا می‌شود، قائل به تفکیک شد. در مورد مراجعه به داور در رابطه با قراردادهای منعقد شده قبل از تصویب قانون اساسی، نیازی به اخذ مجوز اصل ۱۳۹ قانون اساسی نیست (رک. بند ۱ این نامه) لکن در خصوص ارجاع به داور در مورد دعاوی و اختلافات ناشی از قراردادهای موخر بر تصویب قانون اساسی خاطر نشان می‌سازد که گرچه این دفتر در جریان انعقاد همه قراردادهای بین‌المللی که دستگاه‌های دولتی منعقد می‌کنند نیست تا بتواند مفاد آن‌ها را بررسی کند و ببیند آیا حاوی شرط داور است یا نه، و اگر هست آیا مجوز لازم اخذ شده یا نه. اما به طوری که از رویه عملی دستگاه‌های دولتی برمی‌آید شیوه کار (از حیث ارجاع به داور) آن است که چون طرف‌های خارجی معمولاً صلاحیت محاکم داخلی ایران را نمی‌پذیرند و دستگاه‌های دولتی هم متقابلاً حاضر نیستند به صلاحیت محاکم کشور طرف خارجی یا حتی محاکم خارجی کشور ثالث تن دهند، تنها راه حل ممکن برای حل و فصل اختلافات احتمالی و آتی ناشی از قرارداد آن است که به داور مراجعه شود. از طرفی، مراجعه به مجلس برای اخذ مجوز ارجاع به داور در مرحله انعقاد قرارداد به لحاظ حجم فوق‌العاده‌ای از کار که برای مجلس ایجاد خواهد کرد، عملی نیست علیهذا اغلب در شرط داور قید می‌شود «با رعایت قانون» یا «با رعایت مقررات ذیربط» یا «با رعایت مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی». اما موارد زیادی هم پیش می‌آید که درج این قید مورد قبول طرف خارجی قرار نمی‌گیرد و شرط داور مشروط یا معلق را نمی‌پذیرند و در نتیجه به جای داور، مراجع قضایی کشور ثالث به عنوان مرجع حل و فصل اختلافات در قرارداد درج می‌شود که در مقام مقایسه به مراتب نامطلوب‌تر از ارجاع به داور است.

افتخار جهرمی

سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی

جمهوری اسلامی ایران

اصل ۳۰ و بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۰۰۳۱۸۴

تاریخ ۱۳۸۰/۴/۲۰

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خانمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

با توجه به این که در این ایام سرگرم انتخاب اعضای کابینه و تدوین برنامه دولت جدید هستید در ارتباط با وظیفه‌ای که از سوی جناب عالی بعهدہ این جانب گذاشته شده. اجازه می‌خواهم توجهتان را به یکی از اصول مهم قانون اساسی که تاکنون به درستی اجرا نشده جلب کنم تا اگر صلاح دانستید تدبیر لازم در دولت جدید برای به اجرا درآوردن آن ولو به تدریج اندیشیده شود.

چنانکه مستحضرید در بند ۳ اصل سوم قانون اساسی، از جمله وظایف کلی دولت جمهوری اسلامی، «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح...» شمرده شده است و اصل ۳۰ قانون اساسی با صراحت و تفصیل و وضوح کامل مقرر می‌دارد:

«دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد...»

این اصل، از جمله اصول مترقی و قابل توجه است که اگر اجرا می‌شد پیامدهای خوبی می‌توانست داشته باشد، به خاطر دارم در مردادماه ۱۳۷۸ که برای بررسی گزارش جمهوری اسلامی ایران در اجلاس کمیته رفع تبعیض نژادی سازمان ملل در ژنو شرکت داشتم یکی از اعضاء کمیته (که خانمی چینی بود) با اشاره به همین اصل ۳۰ قانون اساسی که به مناسبتی در گزارش آمده بود گفت این مسأله بسیار جالبی است که دولت باید وسایل تحصیل رایگان را تا پایان دوره متوسطه برای همه فراهم نماید ولی من می‌خواهم بدانم در عمل چگونه این اصل پیاده شده و واقعیت امر چگونه است چون تا

آنجا که من اطلاع دارم در کشورهای در حال توسعه به ندرت توانسته‌اند در این امر توفیق یابند و معمولاً برخی از آنها تا حد سیکل توانسته‌اند تحصیل رایگان را ارائه دهند و می‌خواست بدانند آیا دولت جمهوری اسلامی ایران توانسته است این اصل زیبای قانون اساسی را اجرا کند و به آن جامه عمل بپوشد یا خیر؟

چنانکه می‌دانید در گزارشی که طبق ماده ۱۶ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری در خصوص امار موارد توقف، عدم اجرا و نقض قانون اساسی با امضاء جناب عالی به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است، اصل ۳۰ قانون اساسی جزء اصول اجرا نشده یا کامل و درست اجرا نشده به حساب آمده است، طبعاً فراوانی جمعیت دانش آموز و سنگین بودن هزینه آموزشی و محدودیت امکانات دولت و مشکلات فراوان آن در طول این ۲۲ سال که از تصویب قانون اساسی می‌گذرد از معاذیر دولت برای موفق نشدن در اجرای درست این اصل و تعمیم آموزش رایگان برای همه در سطح متوسطه است. ضمن این‌که طبعاً دولت مدعی است در مدارس دولتی، این اصل اجرا می‌شود و وجهی بابت آموزش و پرورش از دانش‌آموزان گرفته نمی‌شود و چون دولت امکانات کافی ندارد برای تعمیم آموزش رایگان طبعاً نمی‌تواند و صحیح هم نیست که مانع تأسیس مدارس خصوصی که به نام مدارس غیرانتفاعی شناخته می‌شود بشود و منطقی است که هرکس می‌خواهد در این مدارس تحصیل کند، باید هزینه آن را بپردازد.

ولی بنده می‌خواهم نظر حضرت عالی را در این دور جدید از مسئولیت به این نکته جلب نمایم که اصل ۳۰ قانون اساسی با وضوح و صراحت کامل غیرقابل تفسیر، دولت را موظف کرده وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد؛ درست است که به بهانه اجرای این اصل نمی‌توان مانع فعالیت مدارس خصوصی شد و اقدام سال‌های اول انقلاب در این زمینه تجربه موفق نبود ولی این انتظار از دولت وجود دارد که سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی آن بگونه‌ای باشد که سال به سال زمینه اجرای این اصل فراهم‌تر شود و آموزش و پرورش متوسطه به سمت رایگان شدن پیش برود. در حالی که در طی این سال‌ها شاهد رشد روزافزون مدارس خصوصی موسوم به غیرانتفاعی بودیم که عده زیادی از مردم ناگزیرند برای

تحصیل فرزندانشان به این مدارس مراجعه کنند و شهریه سنگین بپردازند. شاید خبر داشته باشید که در این مدارس علاوه بر شهریه‌ای که از سوی آموزش و پرورش بر ایشان تصویب شده مبلغ معتنابه دیگری نیز تحت عنوان کمک از اولیای دانش‌آموز می‌گیرند که صورت مکتوب آن پرداخت اختیاری با قصد کمک است ولی واقعیت امر این است که اولیا ناگزیر از پرداخت آن هستند.

مسئله مهم این است که اگر دولت با عنایت به اصل ۳۰ قانون اساسی بودجه بیشتری به آموزش و پرورش اختصاص دهد و در ارتقاء سطح علمی و اخلاقی مدارس دولتی اهتمام لازم نماید ضمناً مردم به مدارس دولتی روی می‌آورند و ناگزیر نمی‌شوند به این مدارس خصوصی هجوم بیاورند و هزینه سنگینی بپردازند. ضمن این‌که شنیده‌ها حکایت از این دارد که حتی در مدارس دولتی نیز مبالغی تحت عنوان کمک و خودیاری با اجبار به صورت اختیار گرفته می‌شود. بازرسی دقیق و صحیح می‌تواند صحت و سقم این مطلب را روشن کند.

عصاره و خلاصه کلام این‌جانب این است که در برنامه جدید دولت سیاست نزدیک شدن به اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی یعنی فراهم کردن وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه دیده شود و در هنگام رایحه برنامه دولت به مجلس گزارش قابل لمس آن داده شود. با توجه به تقدیم گزارش مربوط به اصول اجرا نشده قانون اساسی به مجلس که از جمله آن‌ها اصل ۳۰ است، شاید مناسب باشد اقدامات و تدابیری که آموزش و پرورش دولت حضرت‌عالی در طی چند سال و به خصوص پس از تقدیم آن گزارش در راستای عملی شدن این اصل نموده‌اند و در هر صورت ترسیم آینده‌ای روشن برای نشان دادن عزم قاطع به عملی ساختن گام به گام این اصل مزبور براننده دولت قانونمدار جناب‌عالی است.

با آرزوی توفیق

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۲۶۱۹

تاریخ ۱۳۸۰/۴/۲۶

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

گزارش شماره ۳۱۸۴-۸۰/م مورخ ۸۰/۴/۲۰ در خصوص عدم اجرای صحیح بند ۲ اصل قانون اساسی و اصل ۳۰ قانون اساسی، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید. پی نوشت فرمودند:

«البته تذکر به اصل مطلب خوب است ولی پیشنهاد دهندۀ محترم اصلاً از ترکیب بودجه عمومی، منابع دولت، سهم بودجه جاری نسبت به کل و سهم بودجه آموزش و پرورش به کل بودجه جاری اطلاع دارند و این پیشنهاد را می دهند که دولت بودجه آموزش و پرورش را افزایش دهد؟ و آیا بدون تحول بنیادی در ساختار بیمار اقتصادی چنین امری میسر است و یا اگر باشد پیشنهاد دهندۀ محترم تبعات وحشتناک آن را هم محاسبه کرده اند؟»

سید محمد علی ابطحی

شماره ۸۱۰۵۳۹

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۲

جناب آقای حاجی

وزیر محترم آموزش و پرورش

با سلام

با توجه به اصل ۱۱۳ قانون اساسی و مسؤولیت رییس جمهور، خواهشمند است دستور فرمایید اقداماتی که در جهت اجرای بند ۳ اصل سوم و اصل سیام قانون اساسی در خصوص تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه بعمل آمده و موانع و مشکلات موجود در این راه، برای این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۶۲۰/۲۰۵/۱۰

تاریخ ۱۳۸۱/۶/۹

برادر گرامی جناب آقای مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۸۱-۲۵۹۰ مورخ ۸۱/۴/۱۲ در مورد اجرای بند ۳ اصل سوم و اصل سیام قانون اساسی در خصوص تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه تا پایان دوره متوسطه به اطلاع می‌رساند: کلیه فعالیت‌های وزارت آموزش و پرورش در جهت تأمین آموزش رایگان برای همه افراد متقاضی تحصیل است و برای تحقق این مهم تاکنون سرمایه‌گذاری وسیعی در سراسر کشور انجام شده و به تعداد کافی مدرسه در سطح کشور - اعم از شهرها و روستاها احداث گردیده است. هرچند هنوز بلحاظ کیفیت ساختمان و تأمین تجهیزات آموزشی نواقص چشم‌گیری وجود دارد.

در این مورد احکام روشن برنامه‌های دوم و سوم توسعه خصوصاً تبصره ۶۲ برنامه دوم و بند ۲۴ راهکارهای اجرایی برنامه سوم، مدنظر می‌باشد و متناسب با اعتبارات تخصیص یافته برای ایجاد امکان دسترسی سهل‌تر دانش‌آموزان به آموزشگاه موردنظر اقدام (و حتی در روستاهایی نیز که کمتر از ۱۰ دانش‌آموز دارند مدرسه دایر گردیده است) و به علاوه تأسیس مدارس روستا مرکزی و تهیه سرویس حمل و نقل دانش‌آموزان به مناطق مسکونی خود به هزینه دولت و نیز تأسیس مدارس راهنمایی و دبیرستان شبانه‌روزی اشاره کرد که البته بار مالی قابل توجهی نیز برای دولت دارد. همین هدف را تأمین می‌کند.

حاصل این اقدامات منجر به تغییراتی در شاخص‌های آموزشی گردیده که به بعضی از موارد آن ذیلاً اشاره می‌شود.

۱- کاهش نرخ تراکم دانش‌آموز در کلاس دایر مدارس دولتی در تمام دوره‌ها از ۲۹/۹ نفر در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۲۶/۴ نفر در سال تحصیلی ۸۱-۸۰، که عمدتاً ناشی

از تأسیس مدارس در مناطق توسعه نیافته و افزایش پوشش تحصیلی لازم‌التعلیمان در مناطق کم جمعیت است.

۲- کاهش نسبت دانش آموز به معلم در مدارس دولتی در تمامی دوره‌ها از ۲۹/۴ نفر در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۲۴/۵ نفر در سال تحصیلی ۸۰-۸۱ که این نیز مؤید مطلب بند ۱ و ناشی از تشکیل کلاس‌های جدید در مناطق توسعه نیافته و افزایش پوشش تحصیلی در دوره‌های مختلف تحصیلی است.

۳- کاهش نرخ بهره‌برداری از فضا در تمامی دوره‌ها از ۱/۴۵ در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۱/۳۹ در سال تحصیلی ۸۰-۸۱ به سبب ساخت و ساز بیشتر در مناطق توسعه نیافته و محروم.

۴- افزایش فوق‌العاده جذب و پاداش مناطق محروم و به تبع آن افزایش میانگین حقوق و مزایای فرهنگیان به نرخ جاری از ۵۲۵۰۰۰ ریال در سال ۷۶ به ۱۴۵۸۰۰۰ ریال در سال ۸۱ برای جذب و نگهداشت نیروی انسانی و ایجاد انگیزه برای استمرار و افزایش فعالیت آنان در مناطق توسعه نیافته.

۵- افزایش پوشش تحصیلی واقعی افراد ۶-۱۰ ساله از ۹۶/۲ درصد در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۹۸/۱ درصد در سال تحصیلی ۸۰-۷۹.

۶- افزایش پوشش تحصیلی واقعی افراد ۱۱-۱۲ ساله از ۷۳/۹ درصد در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۷۵/۲ درصد در سال تحصیلی ۸۰-۷۹.

۷- افزایش پوشش تحصیلی واقعی افراد ۱۳-۱۷ ساله از ۴۹ درصد در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۵۲/۷ درصد در سال تحصیلی ۸۰-۷۹.

در تداوم این اقدامات در یکسال اخیر بیش از ۱۴ هزار کلاس درس جدید به بهره‌برداری رسیده است که نسبت به دوره قبل بیش از ۴۰ درصد افزایش دارد. (حدود ۳۹۰۰ کلاس از این تعداد با مشارکت خیرین محترم ساخته شده است) و نیز در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ نسبت به سال قبل ۲/۶ درصد در آموزشگاه‌های روستایی ۱۲/۹ درصد در تعداد مدارس شبانه‌روزی (مخصوص مناطق روستایی و محروم) و ۷/۸ درصد در تعداد دانش‌آموزان آن‌ها افزایش داشته‌ایم که حاکی از توجه دولت به گسترش

پوشش تحصیلی و تأمین شرایط سهل‌تر دسترسی دانش‌آموزان مناطق محروم و روستایی به مدارس قابل قبول است، که بلحاظ کمی و نیز از جهت کیفی موجب بهبود قابل توجه می‌گردد.

ضرورت اهتمام جدی به بهبود کیفیت و افزایش اثربخشی فعالیت‌های آموزشی و تربیتی از موارد بسیار مهم است که نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر برای تأمین تجهیزات جدید آموزشی - بکارگیری فناوری‌های نوین - بازآموزی‌های معلمان و آشنا کردن آنها با شیوه‌های جدید تعلیم و تربیت و بهبود و استاندارد سازی فضاهای آموزش و پرورش است - که از مشکلات اصلی و اساسی نظام آموزشی کشور محسوب می‌گردد. اهم موانع و مشکلات برای رساندن پوشش تحصیلی به صددرصد لازم‌التعلیمان و بهبود کیفی آموزش و پرورش عبارتند از:

۱- فقدان مواد قانونی مناسب برای تعقیب والدینی که در مراجعه و ثبت‌نام فرزندان خود در مدرسه کوتاهی می‌کنند.

۲- موانع فرهنگی در بعضی از مناطق کشور که خصوصاً مانع حضور دختران در کلاس‌های درس می‌گردد و کمبود امکاناتی که بتواند با تأسیس مدارس خالی دخترانه و بکارگیری معلمان زن رفع نگرانی والدین بنماید.

۳- عدم امکان تخصیص اعتبار به میزان مورد نیاز

۴- کم‌توجهی به نقش و جایگاه بنیادین آموزش و پرورش در تربیت منابع و سرمایه‌های انسانی کشور و تلقی بخشی مصرفی از آن در تصمیم‌گیران.

۵- تلقی منفی نسبت به جلب و جذب کمک‌های مردمی و عدم پیش‌بینی سهم مناسب از هزینه‌های بهبود کیفیت در آموزش و پرورش برای اولیاء علی‌رغم قوانین مختلفی که به صراحت این امر را تجویز کرده است. از جمله قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی و نیز ماده ۱۱ قانون شوراهای آموزش و پرورش.

۶- برخی موانع و مشکلات ساختاری که از موضوع این گزارش خارج است.

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۶۵۰

تاریخ ۱۳۸۱/۵/۱۲

جناب آقای مهندس خاتمی

رییس دفتر محترم رییس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۸۳۱۰ مورخ ۸۱/۴/۲۶ در خصوص مطالب مندرج در روزنامه اطلاعات از سوی شخصی به نام آقای مهندس خسرو پیران، راجع به اصولی از قانون اساسی، که مورد توجه آقای رییس جمهور قرار گرفته و توجه و پیگیری این هیأت را خواستار شده‌اند، جهت اطلاع ریاست محترم جمهوری به استحضار می‌رساند:

۱- در مورد اصل ۱۴۲ قانون اساسی که اجرای آن با رییس قوه قضاییه است تا آنجا که بنده اطلاع دارم و در جریان بوده‌ام در زمان ریاست مرحوم آیه‌الله دکتر بهشتی بر دیوان عالی کشور از سال ۱۳۵۹ فرم‌هایی تهیه شد و برای رهبری و رییس جمهور و معاونین وی و وزراء ارسال گردید که صورت دارایی خود را اعم از منقول و غیرمنقول تهیه و ارسال دارند این کار در دوره‌های مختلف نیز انجام شد و تا سال ۱۳۶۸ که اینجانب در دیوان عالی کشور بودم دریافت و نگهداری این فرم‌ها و گزارش دارایی این مسئولین در دفتر اینجانب نگهداری می‌شد، پس از ریاست آیه‌الله یزدی بر قوه قضاییه کلیه فرم‌ها و سوابق تحویل دفتر ایشان شد و طبعاً هم‌اکنون نیز در اختیار حضرت آیه‌الله شاهرودی ریاست محترم قوه قضاییه است. در این‌که در حال حاضر این روند ادامه دارد یا خیر اطلاع دقیقی ندارم اگر ریاست محترم جمهوری صلاح می‌دانند چگونگی اجرای این اصل در حال حاضر از ریاست محترم قوه قضاییه استعلام شود.

۲- در رابطه با اصل ۵۰ قانون اساسی در خصوص حفظ محیط زیست و جلوگیری از فعالیتهای اقتصادی مخرب آن چندی پیش از سوی ریاست محترم حفاظت محیط زیست گزارشی در خصوص وضع جنگل‌ها به ریاست محترم جمهوری ارسال شده و در واقع استمداد شده بود که به این هیأت ارجاع گردد و از سوی این هیأت طی نامه

شماره ۸۱-۳۶۲۶ مورخه ۸۱/۴/۳۰ که تصویب آن پیوست می‌باشد از ریاست حفاظت محیط زیست چگونگی اجرای کامل این اصل و موانع و مشکلات موجود در این راه استعلام شده است.

۲- در رابطه با تأسیس بانک‌های خصوصی چنانکه استحضار دارید طبق اصل ۴۴ قانون اساسی بانکداری در بخش دولتی قرار گرفته و طبعاً تلقی از این اصل در ابتدا این بود که بانک خصوصی و غیردولتی نمی‌تواند وجود داشته باشد و لذا پس از انقلاب اسلامی تمام بانکها دولتی شدند ولی تأسیس مجدد بانکهای غیردولتی به موجب قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در آخر فروردین ماه ۱۳۷۹ است که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است و در روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۷۲ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۳ منتشر شده و در توجیه آن آمده است که به منظور افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرر و زیان جامعه با توجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی... اجازه تأسیس بانک توسط بخش غیردولتی داده می‌شود.

البته ابتدا این طرح تحت عنوان اجازه تأسیس بانک تعاون به صورت غیردولتی و از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های تعاونی و تأمین قسمتی از سرمایه از طریق فروش سهام به مردم تهیه و تصویب شده بود که شورای نگهبان در نظریه مورخ ۷۸/۱۲/۱۵ به شماره ۷۸/۳۱/۶۳۳۷ آن را خلاف صدر اصل ۴۴ قانون اساسی تشخیص داده و رد کرده بود ولی بعداً به صورت قانون فعلی که تصویب آن پیوست است تصویب شد و شورای نگهبان نیز آن را مغایر تشخیص نداد.

البته جای بحث نظری می‌تواند باقی باشد ولی به هر حال چون شورای نگهبان که حافظ قانون اساسی و مانع تصویب قوانین مغایر قانون اساسی است آن را تأیید کرده علی‌القاعده مسئولیتی برای رییس‌جمهور در این زمینه باقی نمی‌ماند.

۴- در ارتباط با اصل ۳۰ قانون اساسی و مسأله آموزش و پرورش رایگان تا سطح متوسطه؛ توجه آقای رییس‌جمهور را به نامه شماره ۸۰-۳۱۸۴ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۲ این هیأت خطاب به معظم‌له که نسبتاً به تفصیل در این زمینه بحث شده جلب می‌کنم، تصویر نامه مزبور پیوست است و حال که مقام محترم ریاست جمهوری به تذکر

یک شهروند در روزنامه در این باره بذل توجه فرمودند، مناسب است یک بار دیگر نامه فوق‌الذکر را ملاحظه فرمایند. اخیراً هم طی نامه شماره ۸۱-۳۵۹۰ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۲ این هیأت خطاب به آقای وزیر آموزش و پرورش از ایشان خواسته شده اقدامات بعمل آمده در اجرای بند ۳ اصل سوم و اصل ۲۰ قانون اساسی در خصوص تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه و موانع و مشکلات موجود در سر این راه را برای هیأت اعلام دارند که به استحضار ریاست محترم جمهوری برسد (تصویرنامه مزبور نیز پیوست است).

واقعیت امر این است که علاوه بر رشد و فزونی مدارس غیرانتفاعی که مبالغ معتناهی تحت دو عنوان شهریه مصوب و خودیاری که البته هر دو اجباری است از اولیاء دانش‌آموزان می‌گیرند، مدارس دولتی نیز علاوه بر مبلغ نه چندان زیادی که به طور رسمی و علنی می‌گیرند، مبالغ معتناهی نیز، تحت عنوان مشارکت مردمی یا خودیاری از اولیای دانش‌آموزان می‌گیرند که هر چند اسماً مشارکت مردمی و خودیاری و معنایش اختیاری بودن پرداخت است ولی عملاً پرداخت آن اجباری و تحقق ثبت نام موکول به پرداخت یا تعهد به پرداخت است مگر این‌که استثنائاً کسی بتواند با براهین متقن فقر و استیصال خود را ثابت نماید که ممکن است معاف از پرداخت شود. به هر حال بنظر می‌رسد اصل ۲۰ قانون اساسی به درستی اجرا نشده و نمی‌شود و حال که نظر آقای رئیس‌جمهور، معطوف به این امر گردیده بجاست از وزارت آموزش و پرورش بخواهند گزارشی واقعی (نه توجیهی) در این زمینه بدهد و اگر واقعاً اجرای این اصل برای دولت متعسر یا متعذر است، به نحوی در مقام اصلاح و یا تفسیر آن برآیند و اگر هم عزمی بر اجرای آن وجود دارد حداقل خط مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و کارکردها در جهت اجرای تدریجی این اصل، تنظیم گردد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس‌جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۷۴۶

تاریخ ۱۳۸۱/۷/۷

جناب آقای مهندس خاتمی

رییس دفتر محترم رییس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۳۰۳۱۶ مورخ ۸۱/۶/۳۱ موضوع تذکر نماینده محترم مردم همدان در مجلس شورای اسلامی در خصوص عدم اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی در آموزش و پرورش در زمینه آموزش رایگان که علاوه بر ارسال موضوع برای وزیر محترم آموزش و پرورش، جهت پیگیری به این هیأت نیز ارسال شده است لازم است به استحضار برسانم و در واقع یادآوری کنم که در گزارشی که طبق ماده ۱۶ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری در پایان سال ۱۳۷۸ به امضای مقام محترم ریاست جمهوری به مجلس ارسال شده اصل ۳۰ قانون اساسی جزء اصول اجرا نشده قانون اساسی به شمار آمده است. در نامه شماره ۳۱۸۴-۸۰/م مورخ ۸۰/۴/۲۰ که این جانب خدمت آقای رییس جمهور نوشته‌ام به مسأله اجرا نشدن اصل ۳۰ قانون اساسی و مشکلات و پیامدهایی که گرفتن شهریه از مردم دارد و این که لازم است آموزش و پرورش چاره‌ای برای آن بیاندیشد اشاره کردم.

در نامه شماره ۸۱-۳۶۵۰ مورخ ۸۱/۵/۱۲ به مناسبت طرح مطالبی از سوی یکی از خوانندگان در یکی از روزنامه‌ها خطاب به ریاست محترم جمهوری در خصوص اجرا نشدن بعضی از اصول قانون اساسی باز اشاراتی کردم.

طی نامه شماره ۸۱-۳۵۹۰ مورخ ۸۱/۴/۱۲ از وزیر محترم آموزش و پرورش خواسته شده اقداماتی که در جهت اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی بعمل آمده و از جمله موانع و مشکلات موجود را برای هیأت ارسال دارند که متأسفانه تاکنون پاسخی دریافت نشده است، مسأله گرفتن شهریه در مدارس، هم در مدارس غیرانتفاعی با مبالغ نسبتاً زیاد و عموماً بیش از مبلغ مصوب و هم در مدارس دولتی، اجمالاً مطلبی نیست که

قابل انکار باشد هر چند تحقیق صحیح و بی طرفانه‌ای در خصوص کم و کیف آن لازم است ولی حداقل خود این جانب هم در مدرسه غیرانتفاعی و هم مدرسه دولتی مورد اعمال این شهریه‌ها بودم و هم شاهد آن نسبت به دیگران. بنابراین حال که موضوع، در مجلس هم مطرح و تذکر داده شده و در روزنامه‌ها نیز دیده‌ام افراد زیادی در این خصوص می‌نویسند بجاست از وزارت آموزش و پرورش مؤکداً خواسته شود توضیحات صحیح و کافی در این زمینه بدهد و در عین حال تلاش شود به تدریج موانع و مشکلات موجود برداشته شده و زمینه اجرای درست این اصل فراهم گردد. حقیقتاً گرفتن مبالغ قابل توجهی از اولیای دانش‌آموزان هنگام ثبت نام بصورت اجباری ولی تحت عنوان کمک داوطلبانه و اختیاری که بنده در نامه‌های قبلی آن را بیان کردم در شأن جمهوری اسلامی نیست. این مسأله عمدتاً مربوط به قوه مجریه می‌شود که اقتضا دارد ریاست محترم جمهوری پاسخ شایسته و اقدام بایسته را از وزارت آموزش و پرورش بخواهند.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بند ۴ اصل ۲۱ قانون اساسی

بسمہ تعالیٰ

شماره ۸۱-۳۵۹۱

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۲

سرکار خانم شجاعی

مشاور محترم رییس جمهور و رییس مرکز مشارکت امور زنان

با سلام

با توجه به اصل ۱۱۳ قانون اساسی و مسئولیت رییس جمهور و با عنایت به نقش و وظیفه مرکز در پیشرفت امور مربوط به زنان، خواهشمند است دستور فرمایید اقداماتی که در جهت اجرای بند ۴ اصل ۲۱ قانون اساسی در خصوص ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست بعمل آمده است، برای این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۳۱۸۸

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۳۰

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

سلام علیکم

با احترام، عطف به نامه شماره ۸۱-۳۵۹۱ مورخ ۸۱/۴/۱۲ در ارتباط با اقدامات انجام شده پیرامون بند ۴ اصل ۲۱ قانون اساسی و بمنظور ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست به استحضار می‌رساند:

با عنایت به مصوبه ۷۸/۱۱/۳ هیأت محترم وزیران مبنی بر تهیه طرح بیمه زنان خانه‌دار توسط مرکز امور مشارکت زنان و در اجرای اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی، همچنین مصوبه مورخ ۷۸/۱۱/۲۷ کمیسیون لوایح، این مرکز طرح بیمه زنان خانه‌دار را در دو قالب تدوین نموده است:

۱- پیشنهاد در چارچوب ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی کشور مبنی بر ایجاد صندوق بیمه زنان خانه‌دار در زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی روستاییان. این پیشنهاد به کمیسیون اجتماعی هیأت دولت تقدیم گردیده است.

۲- طرح بیمه مشارکتی زنان خانه‌دار و تدوین لایحه ایجاد صندوق بیمه زنان خانه‌دار (صندوق احتیاط)

در این طرح خانه‌داری به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن زن، شاغل، در جستجوی کار، مشغول به تحصیل و دارای درآمد بدون کار نبوده و منحصرأً به امر خانه‌داری مشغول می‌باشد. در اجرای این طرح زنان خانه‌دار طی دوره سپرده‌گذاری ۵ ساله سرانه بیمه خود را بصورت ماهانه به صندوق بیمه زنان خانه‌دار پرداخت خواهند نمود. نحوه سپرده‌گذاری در صندوق پرداخت ۵۰ درصد از کل سرانه بیمه با مشارکت بیمه شده و ۵۰ درصد مشارکت دولت خواهد بود. از جمله موارد بهره‌مندی از مزایای قانونی طرح بی سرپرستی، بدسرپرستی، سرپرستی خانوار، ازکارافتادگی، سالخوردگی و بیوگی

می‌باشد. بدیهی است زنان خانه‌دار تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی و دولتی، زنان مستمری‌بگیر سازمان تأمین اجتماعی و یا مستمری‌بگیران تبعی، زنان وظیفه‌بگیر سازمان بازنشستگی و صندوق‌های مکمل و یا وظیفه‌بگیران تبعی از شمول طرح خارج می‌باشند.

این مرکز در راستای تهیه و تدوین طرح فوق با اختصاص بیش از ۲۸۰۰ ساعت کار کارشناسی اقداماتی از جمله مطالعه طرح‌های پیشنهادی نظام جامع تأمین اجتماعی سازمانها و نهادهای مختلف، مطالعات تطبیقی بررسی وضعیت تأمین اجتماعی زنان خانه‌دار در سایر کشورها، رایزنی با صاحب‌نظران و تشکیل جلسات متعدد با مشاورین فنی طرح و مسئولین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بهزیستی و بانک‌های عامل و... را به انجام رسانده است. در حال حاضر طرح در دستور کار کمیسیون اجتماعی هیأت محترم دولت قرار گرفته است و مرکز لایحه‌نهایی را تنظیم و به زودی (به) کمیسیون ارایه خواهد نمود.

با توجه به محدودیت‌های اعتباری طرح و بمنظور ایجاد زمینه اجرای طرح بصورت کلان و ملی، اجرای آزمایشی طرح بیمه زنان خانه‌دار در سال ۱۳۸۱ در ۴ استان کشور به مجلس محترم پیشنهاد شد که در بودجه سال ۸۱ تصویب و در قالب برنامه‌ای جداگانه در فصل رفاه اجتماعی (ردیف ۳۰۰۴۴۰) دیده شده و اجرای آن بر عهده سازمان بهزیستی قرار گرفت. از آنجایی که استان‌های کشور واجد شرایط متفاوتی از حیث شاخص‌های توسعه انسانی برحسب جنسیت (GDI) میزان توانمندی‌های زنان (GEM) نرخ فعالیت‌های اقتصادی زنان نسبت به مردان و میزان آسیب‌دیدگی می‌باشند ۴ استان اصفهان، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و آذربایجان به عنوان استان‌های به ترتیب توسعه یافته، نسبتاً توسعه یافته، نسبتاً توسعه نیافته و توسعه نیافته برای اجرای آزمایشی طرح انتخاب شدند.

اصل ۲۸ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۶۱۴

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۹

جناب آقای دکتر حسینی

وزیر محترم کار و امور اجتماعی

با سلام

با توجه به اصل ۱۱۳ و مسئولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی و نقش و موقعیت وزارت کار و امور اجتماعی، دستور فرمایید اقداماتی که در جهت اجرای اصل ۲۸ قانون اساسی در مورد ایجاد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل برای همه افراد، بعمل آمده و میزان موفقیت و موانع و مشکلات موجود در این راه برای این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۳۰۹۵۳

تاریخ ۱۳۸۱/۵/۲۲

جناب آقای حسین مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

احتراماً، در پاسخ نامه شماره ۸۱-۳۶۱۴ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۹ در خصوص اقداماتی که در جهت اجرای اصل ۲۸ قانون اساسی در مورد ایجاد شرایط مساوی برای احراز مشاغل و امکان اشتغال به کار همه افراد بعمل آمده، نکات ذیل را باستحضار می‌رسانند:

اولاً: با توجه به ماهیت وظایف و نقش وزارت کار و امور اجتماعی که بیشتر امری حاکمیتی است تا تصدی‌گری این وزارت مستقیماً اشتغالی را ایجاد نمی‌نماید تا اجرای اصل فوق‌الذکر موضوعیت داشته باشد ولی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های خود همواره رعایت این اصل را نصب‌العین قرار داده است مثلاً در تنظیم، تدوین و اجرای آیین‌نامه ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که با دو بازار کار در ارتباط است از هر نظر شرایط مساوی در نظر گرفته است تا از یکطرف افراد صرفنظر از جنسیت، گرایش‌های سیاسی و براساس شرایط معینی بتوانند متقاضی استفاده از تسهیلات باشند از طرف دیگر در خصوص بکارگیری بیکاران جویای کار هم، شرایط مساوی برای احراز مشاغل بدون هیچ‌گونه تبعیضی در نظر گرفته شده است.

ثانیاً: وزارت کار و امور اجتماعی مجوز استخدام تعدادی نیروی کار جدید را در سال جاری کسب نموده است، در این خصوص نیز شرایط مساوی برای احراز مشاغل و امکان اشتغال به کار برای همه منظور داشته است.

سیدصفا حسینی

وزیر کار و امور اجتماعی

اصل ۵۰ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۶۲۶

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۳۰

سرکار خانم معصومه ابتکار

معاون محترم رییس جمهور و رییس سازمان حفاظت محیط زیست

با سلام

با عنایت به مسئولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی طبق اصل ۱۱۳ و با استناد به مواد ۱۳ و ۱۴ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی و عطف به نامه شماره ۱۴۶۵۷-۱ مورخ ۸۱/۴/۱۷ جناب عالی به ریاست محترم جمهوری، دستور فرمایید اقداماتی که در جهت اجرای اصل پنجاهم قانون اساسی در زمینه انجام وظیفه عمومی حفاظت محیط زیست و ممانعت از فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که ملازمه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن دارد صورت گرفته و موانع و مشکلات موجود در این راه، به طور مشروح برای این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۵۲-۲۹۲۳۶

تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۰

جناب آقای مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

بازگشت به نامه شماره ۸۱-۲۶۲۶ مورخ ۸۱/۴/۳۰

احتراماً، ضمن ایفاد یک نسخه از گزارش عملکرد اجمالی این سازمان که عمدتاً در جهت تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی می باشد، ذیلاً مواردی از نقض اصل پنجاهم قانون اساسی توسط برخی نهادها، مراجع و اشخاص را به استحضار می رساند:

الف: قوه مقننه

متأسفانه برخی از مصوبات مجلس شورای اسلامی در زمینه بهره‌برداری از منابع طبیعی و یا فعالیت‌های صنعتی و عمرانی با اصل پنجاهم قانون اساسی تعارض دارد و علیرغم این که شورای نگهبان مسؤلیت انطباق مصوبات مجلس با اصول قانون اساسی و رفع این تعارض را دارند، ظاهراً یا توجه کافی به ماهیت موضوع و آثار ناشی از این تعارض را نداشته و یا مسایل غیرزیست محیطی محور و دغدغه اصلی آنان می باشد. برای مثال در بند الف ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که مجوز بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور براساس توان بالقوه منابع داده شده است دولت موظف گردیده ضمن حفظ روند رشد تولیدات و بهره‌برداری از منابع ترتیبی اتخاذ نماید که تعادل محیط زیست «نیز» حفظ شود بعبارت دیگر در تعارض بین بهره‌برداری از منابع طبیعی و جنگل‌ها و مراتع یا اثرات ناشی از آن که ممکن است منجر به تخریب و برهم خوردن تعادل محیط زیست گردد، حفظ محیط زیست با اضافه شدن واژه «نیز» در اولویت و اهمیت درجه دوم نسبت به بهره‌برداری قرار گرفته است حال آن که طبق نص صریح ذیل اصل پنجاهم قانون اساسی هرگونه فعالیت اقتصادی و غیر آن که به آلودگی یا تخریب غیرقابل جبران

محیط زیست ملازمه و تعارض داشته باشد ممنوع است یعنی در تقابل و تعارض حفظ محیط زیست و فعالیت‌های اقتصادی، حفظ محیط زیست در اولویت و اهمیت درجه اول قرار دارد.

متأسفانه این اشکال هم در مرحله بررسی در دولت و هم در مجلس خاطرنشان و تذکر داده شد ولی تأثیری نداشت.

ب: قوه قضاییه

در آراء و احکام صادره از شعب گوناگون دادگاه‌های عمومی، موارد بسیار عدیده‌ای از بی‌توجهی و نقض اصل پنجاهم قانون اساسی و حتی نقض قوانین عادی معتبر به چشم می‌خورد. بسیاری از مراجع قضایی هنگام ارجاع موضوع و درخواست برای توقف فعالیت یک منبع آلوده کننده و تداوم آن جهت تحقق اهداف اقتصادی و امثال آن و با وجود قوانین معتبر برای جلوگیری از آلودگی از صدور حکم و یا صدور دستور توقف فعالیت و جلوگیری از آلودگی حتی با این استدلال که ممکن است کارگران کارخانه بیکار شده و یا ممانعت از فعالیت منبع آلوده کننده اثرات اجتماعی داشته باشد خودداری نموده و یا در بسیاری از مواقع علیرغم اثبات و تخریب محیط زیست و پارک‌های ملی و مناطق حفاظت شده و تجاوز به این مناطق به دلایل غیرمستند و غیرموجه، متخلفین و اشخاص حقیقی و حقوقی را تبرئه نموده و از صدور دستور رفع آثار تصرف و تخریب خودداری می‌نمایند که این موارد از مصادیق بارز تعارض و تقابل با اصل پنجاهم قانون اساسی می‌باشد. برای مثال چند نمونه از احکام صادره از مراجع قضایی را که موجب تداوم آلودگی و تخریب محیط زیست و صدور مجوز فعالیت‌های دیگر شده است ضمیمه می‌گردد.

ج: قوه مجریه

نقض اصل پنجاهم در قوه مجریه بدو طریق صورت می‌گیرد:

۱. از طریق تصویب مقررات و تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران که بسیار معدود و کم می‌باشد.